

# سیر هفتاد و دو

## ملت

علی رضا کاوتی فراگزلو

دبستان مذاهب. موبد کیخسرو اسفندیار. به اهتمام رحیم زاده ملک. دو جلد [جلد اول، متن، ۳۶۸ صفحه. جلد دوم، تعلیقات، ۳۰۴ صفحه]. تهران. کتابخانه طهوری. ۱۳۶۲. بها ۲۵۰ تومان.

راست چون برگار یک پا در شریعت استوار  
بای دیگر سیر هفتاد و دو ملت می کند

انتشار مجدد کتابهای کهن و کمیاب به هر حال مغتنم است؛ به ویژه اگر کسوت نوینی از تصحیح و تعلیق و فهرس نیز بر آن پوشانده باشند مزیتی اضافی خواهد بود.

اما مصحح و محشی را علاوه بر شوق و علاقه و پشتکار، صلاحیت و دانش و بینش کافی در زمینه کتاب مورد نظرش لازم است، بخصوص که دبستان مذاهب کتاب بغرنجی است (۱۳۲/۲) و تحقیق در آن علاوه بر آشنایی عمیق به ملل و نحل و تصوف و حکمت، ممارستی نیز در سبک شناسی خاصه در کتب تألیف شده در هند لازم دارد. و هر کس که باشد «در هر حدی از معلومات و هر پایه ای از تحقیقات»، اگر بخواهد دبستان را نه سرسری و از روی تفنن بلکه برای تحقیق و استناد بخواند مسلماً از تعلیقات و حواشی و همچنین توجه به نسخه بدلهای مهم بی نیاز نیست.

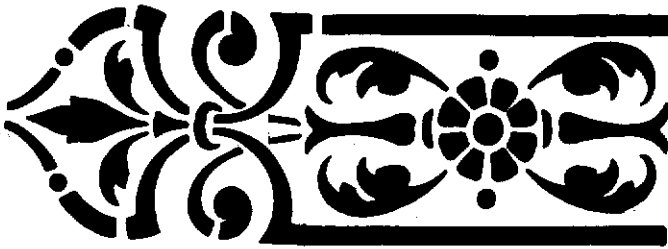
مجلد اول متن کتاب است شامل دوازده تعلیم بدین شرح: نخست) در معرفت عقاید پارسیان؛ دوم) در باز نمودن عقاید هندوان؛ سیوم) در عقیده قرآنیان؛ چهارم) در لختی از عقاید یهود؛ پنجم) در عقاید ترسا؛ ششم) در حقیقت محمدیان و اهل اسلام؛ هفتم) در عقیده صادقیه؛ هشتم) در عقیده واحدیه و امناء؛ نهم) در بیان احوال روشنیان؛ دهم) در عقاید الهیه؛ یازدهم) در عقاید حکماء؛ دوازدهم) در عقاید صوفیه.

هر یک از این تعلیمها به فصول فرعی تقسیم شده: «نظر اول،

نظر دوم، نظر سیوم...». تکیه مؤلف بر مذاهب و نحل و مقالاتی است که در عصر او و در محیط او زنده و موجود بوده و شخص نویسنده دست کم یکی دوتن از صاحب نظران هر فرقه یا دین و مذهب و نحله را دیده و یاوی گفتگو داشته است. و نیز ادعای مؤلف بر این است که عقاید هر گروه را همان گونه که خود تقریر می کنند بی کم و زیاد و بی شائبه حب و بغض ضبط و نقل کرده است، و تا آنجا که برای خواننده معمولی محسوس است و حواشی آقای رضا زاده ملک نیز نشان می دهد منقولاتش بی خدشه است مگر آنکه دچار اشتباه شده باشد، و به نظر نمی آید تعمدی در مثله کردن یا ممسوخ نمودن یا مشوه داشتن خواننده ها و شنیده هایش به کار برده باشد، حال اگر بعضی مطالب یا حتی کل این مجموعه را نپسندیم و نپذیریم قضاوت ارزشی است نه موضوعی و عینی.

با خصوصاتی که اشاره شد دبستان از ایام تألیف به بعد کتابی پرجاذبه و پر خواننده بوده و لذا سوای نسخه های خطی، پیش از این، دست کم سیزده بار به چاپ رسیده است (۱۳۲/۲).

نخستین چاپ این کتاب در ۱۲۲۴ قمری (۱۸۰۹ میلادی) صورت گرفته که به نظر مصحح بهترین چاپ همان است و چاپهای بعدی کمابیش از روی آن یا از روی چاپهای پس از آن انجام پذیرفته، حتی غالب نسخه های خطی موجود از روی نسخ چاپی رونویس شده است (۱۳۱/۲)، لذا مصحح، طریق مقابله چاپها را در پیش گرفته و این چاپ که در دست ماست تلفیقی از چاپهای مختلف و عمدتاً بر اساس چاپ اول است (بدون ذکر نسخه بدلهای مهم)، و البته با افزونی پاراگراف بندی و نقطه گذاری.



با توجه به وجود ترجمه کامل انگلیسی منتشر شده در ۱۸۴۳ در سه مجلد و به سال ۱۹۰۲ در یک مجلد، و نیز ترجمه کامل گجراتی توسط موبد فریدونجی، و همچنین ترجمه «تعلیم نخست» به انگلیسی در سال ۱۷۸۹ که خود مصحح گزارش داده است (۲/۲۰، ۲۲، ۱۳۲)، ترجمه‌های مذکور در تصحیح متن و احیاناً درست خواندن کلمه یا عبارتی می‌توانست مورد مراجعه و استفاده قرار گیرد که ظاهراً مصحح این کار را نکرده است و بد نیست در چاپ بعدی نظری به ترجمه‌های مذکور داشته باشد.

در اینجا اشاره به نکته‌ای ضرور است و آن اینکه زین العابدین شیروانی<sup>۱</sup> صوفی و سیاح مشهور (متوفی ۱۲۵۱) در سه تألیف مهمش *ریاض السیاحه* (تألیف ۱۲۳۷)، *حدائق السیاحه* (تألیف ۱۲۴۲) و *بستان السیاحه* (تألیف ۱۲۴۸) مطالب فراوانی به عین عبارت یا نقل به معنی از دبستان مذاهب آورده است که احیاناً برای مقابله و درست خوانی بعضی کلمات و عبارات دبستان به کار می‌آید.

تألیف دبستان از دیرباز به نام محسن فانی شاعر کشمیری (متوفی ۱۰۸۱ یا ۱۰۸۲ ق) مشهور بوده، و برخی تألیف آن را به ملا موبد شاه نسبت می‌دادند (۲/۲۴). آقای رضازاده ملک با پیگیری مدارک و دقت ورزیدن در تمام مواردی که ضمن کتاب به احوال و سوانح مؤلف اشارت رفته، و با تکیه به نظر محققانی چون قزوینی و پورداد به این نتیجه می‌رسد که مؤلف دبستان قطعاً مسلمان نبوده بلکه از فرقه آذرکیوان است، چون نه تنها در شرح آیین دساتیری بلکه در توضیح دیگر آیینها نیز همان زبان و اصطلاحات آذرکیوانیان را به کار گرفته است، و صرف نظر از این قرائن «عقلی» (که محل بحث می‌تواند باشد) مستند نقلی قابل توجهی که ارائه می‌دهد رساله‌ای است به قلم کیخسرو بن کاوس که به سفارش رضاقلی خان هدایت بر چاپ ۱۲۶۷ دبستان نوشته شده و نویسنده آن را کیخسرو اسفندیار فرزند آذرکیوان شمرده است (۲/۷۶).

بنابراین نتیجه‌گیری و طبق تحقیقات آقای ملک تولد کیخسرو اسفندیار بعد از ۱۰۲۵ و درگذشتش در ۱۰۸۱ قمری است و تألیف کتاب بعد از ۱۰۶۳ شروع شده و پیش از ۱۰۶۹ پایان یافته است.

با همه کوشش تحسین برانگیزی که مصحح در یافتن مؤلف کتاب به کار برده و به نتیجه‌ای معقول و مقبول رسیده، عنان به دست خیال باز می‌دهد که چون نخستین چاپ کتاب به سفارش «ویلیم صاحب (!)» بوده (مقدمه، جلد اول)، پس مندرجات آن نیز

عبارت است از «جعلیات و مزخرفات»، و لاجرم باید «همه را از این گونه شایدها مطلع کرد و پرده از چهره آنها برداشت». و اینکه بعدها استعمارگران به دین سازان بی‌مایه بایبه و بهائیه کمک کردند، محمل این می‌شود که مصحح انگشت «انگلیسیا» را در تألیف دبستان نیز در کار ببیند و در مواضع متعدد از تعلیقات، جانانه در برابر «توطئه‌گری» بایستد (۲/۲۰۵، ۲/۲۱۸ و ۲/۲۳۸...) و حتی احادیثی را که جعلی بودنش *اظهر من الشمس* است، رد کند (۲/۲۱۸) که این همه اگر برخاسته از شور و غیرت و حماسه اسلامی است باید گفت: جزاه الله عن الاسلام والمسلمین خیراً.<sup>۲</sup> اما مصحح بایستی در نظر می‌گرفت که دبستان مذاهب در چه محیطی نوشته شده و اگر توجه به این نکته می‌کرد، می‌توانست با پیجویی در مدارک آن عصر به نکات بدیعی برسد و ارزش مردم‌شناختی و تاریخی دبستان را که شاید بیش از ارزش علمی و موضوعی آن در شناخت ملل و نحل است بشناسد و بشناساند. اجمالاً باید دانست که ایرانیان مهاجر به هند عصر صفوی صاحب همه‌گونه عقیده و سلیقه و مسلک و مرام بودند و خوب یا بد، درست یا غلط، نوعی سعه مشرب عارفانه و حکیمانه بر محافل ایرانیان مهاجر به هند حاکم بود (در حالی که ایرانیان مهاجر به عثمانی غالباً سنیان متعصب بودند). با نگاهی به اشعار زیر که در هر یک از دو اوین و تذکره‌های آن عصر نظایرش هست درمی‌یابیم که روح تساهل حاکم بر کتاب دبستان محصول توطئه انگلیسی یا حاصل بداندیشی «جدادینان» پارسی و آذرکیوانی نیست بلکه مسلمانان و مسلمان زادگان نیز چنین می‌سرودند:

کفرو دین را بیر از یاد که این فتنه‌گران  
در بد آموزی ما مصلحت اندیش خودند

رفتم به بت‌شکستن و هنگام بازگشت  
با برهن گداشتم از ننگ، دین خویش

حرم جویان دری را می‌پرستند  
فقیهان دفتری را می‌پرستند

ابیات بالا از سید محمد عرفی شیرازی است و جالب اینکه بیت



(جوك بشست). متقابلاً پارسیان آذركیوانی به ترجمهٔ حكمة الاشراق سهروردی پرداختند (۴۱/۱) و حتی یکی از بزرگان فرقهٔ دساتیری موسوم به شیدوش هنگام مردن شعر سید محمد نوربخش (صوفی متمدی) را زمزمه می‌کرد (۴۳/۱).<sup>۳</sup> آنچه در احوال آذركیوان آمده است که قدرت بر سلخ و خلع روح خویش از بدن داشت (۳۲/۱) از میرداماد نیز منقول است<sup>۴</sup> و حتی از عرفای متشرع متأخر شیعه نیز نقل شده<sup>۵</sup>.

بعضی پژوهندگان مکتب آذركیوان را نوعی احیای فلسفهٔ اشراق انگاشته‌اند و اگر در مورد آیینها و فلسفه‌های منسوب به ایران قدیم جعلی در کار بوده است (که مسلماً بوده است) سابقهٔ آن به شیخ اشراق و حتی پیش از او به جنبش شعوبی و قرون اولیهٔ اسلام می‌گردد و چنان نیست که مؤلف دبستان یکسره اختراعشان کرده باشد یا نسل پیش از او در حوزهٔ آذركیوان بر ساخته باشند. برای نمونه آنچه را در دبستان مذاهب (۱۳/۱) به بعد) دربارهٔ «گلشاه» و «کیومرث» آمده است مقایسه کنید با مندرجات مفاتیح العلوم خوارزمی (قرن چهارم هجری، صفحه ۳۹ و ۹۸ از طبع فان فلوتن) که در اینجا «گلشاه» را به «ملك الطین» ترجمه کرده که همان «انسان اول» است.

از این همه می‌خواهم نتیجه بگیرم که کتاب دبستان را باید همچون يك محصول و نتیجه در نظر گرفت، و بر این اساس مؤلف آنچه نوشته آیینۀ تمام نمای زمانه‌ای است که در آن می‌زیسته و حتی همان حرفها و کارها که از چرسیان و بنگیان و هیروتیان حکایت می‌کند از لحاظ تاریخ سندیت دارد، چنانکه از همان گونه کسان در ایران عصر صفوی نیز بوده‌اند.<sup>۶</sup> گذشته از اینکه تعلیم هشتم و نهم در مورد نقطویان و روشنیان مدرک دست اول تاریخی است و توصیفی که از آیین التقاطی اکبر تیموری به دست داده با مدارک تاریخی دیگر تأیید می‌شود.

پس برداشت مصحح مبنی بر اینکه مؤلف دبستان می‌خواسته عقاید شیعیان و مسلمانان را سست کند تا به فرقهٔ آذركیوان بپیوندند (۲۰۵/۲) صحیح نیست چرا که مؤلف دبستان در بیان احوال و افکار همهٔ صاحبان فرقه‌ها همدلی نشان داده و اگر به دلیل «صلح کلی» بودن نویسندهٔ دبستان، آقای رضازادهٔ ملك او را مبلغ آذركیوان می‌شمارد چرا نتوانیم مبلغ نانگ مؤسس مذهب سیکها (۱۹۸/۱) به بعد) یا نقطویان یا منادی نحلهٔ الهی اکبر تیموری بینگاریمش؟

شاید این اشارهٔ اجمالی قدری طولانی شد، به‌رحال تصور می‌رود که برای خوانندهٔ دبستان بر بی‌فایده نباشد که این کتاب را

معروف زیر از عرفی را منطبق بر احوال موحد مشهور هندی «کبیر» یافته‌اند (دبستان، ۱۷۸/۱):

چنان با نیک‌وید، عرفی بسر برکز پس مردن  
مسلمانان به زمزم شوید و هندو بسوزاند  
فیضی ملك الشعراى در بار اکبر تیموری (مؤسس آیین الهی  
آفتاب) گوید:

من و رندی و سیر مشربها  
تا بگیرد قرار مذهبها  
شیخ! ز تاریخ جهان آگه  
کعبهٔ تو کهنه صنم خانه‌ایست.  
سحابی استرآبادی که در پایان عمر در جوار مرقد  
علی علیه السلام می‌زیست و در همانجا وفات یافت، چنین سروده:  
هر قوم به هم بر سر دنیا در جنگ  
کردند بهانه دین و آیین‌ها را

این مهاجران (یا راندگان و فراریان) بحق یا ناحق خود را «خانه‌رمدگان ظلم» می‌دانستند - عبارتی که در شعر نظیری نیشابوری آمده - و به قول شبلی نعمانی او مردی بوده است متشرع و پرهیزگار (رك. شعر العجم، جلد پنجم). عشرت جویان نیز، طبق آنچه در تذکرهٔ میخانه آمده است به هند روی می‌نهادند تا به ثروت و امکانات عیاشی دست یابند و پژوهندگان جستارهای عقلی و آزادمنشان فکری در جنگل مولای هند فرصت مطالعه و مباحثه و اظهار عقیده می‌یافتند. در چنان جوی بود که درباریان فاضل اکبر تیموری آیین الهی (موضوع تعلیم دهم دبستان) را التقاط کرده اکبر پادشاه را «خلیفه الحق» نامیدند و به زبان علوم نقلی، علوم عقلی و ادبیات نضج و رواج بیش از پیش یافت (۳۰۲/۱).

در همان ایام، آذركیوان مذهب صوفیانهٔ خویش را بر زمینهٔ پارسیانه و دساتیری و گلچینی از حكمة الاشراق و نیز فلسفه‌های هند پایه‌ریزی کرد؛ مکتبی که حتی برای امثال میرفندرسکی حکیم و عارف مسلمان جالب و جاذب بود، او با شاگردان آذركیوان تماس داشت (۴۷/۱) و خود در بیان آیین هندوان تصنیف نمود

(ص ۳۳ / س ۲۷ و ص ۱۷۵ / سطر آخر). کلماتی همچون: «دانش کیمیا» در مقابل علوم غریبه (ص ۱۸۶) و تعبیری همچون «جهانفریب خاتون و حيله بیگم» (ص ۱۶۷) در این کتاب کم نیست و احصاء و استقصای اینها فواید ادبی خواهد داشت. غلطنامه‌ای يك ورقی نیز ضمیمه مجلد اول است که توان گفت شامل پنج يك غلطهای چاپی نمی شود، بخصوص اعراب جملات عربی غلط فراوان دارد. ذیلاً نمونه‌ای از غلطها را که بعضاً «چاپی» نیست و ناشی از غلط خوانی واژه یا عبارت بوده متذکر می گردد:

در صفحه ۲۳۶ / س ۱۷ - ۱۸ می خوانیم: «[صانع هستی] به کلیات و جزویات مکین و مکان. شهر وجود علمش، محیط است» که باید چنین باشد «... به کلیات و جزویات مکین و مکان شهر وجود، علمش محیط است».

در صفحه ۲۴۳ / س ۱۲ با توجه به سیاق معنی و عبارت، جمله «حسین بن علی را یزید در خانه خود بکشت» غلط، و «نکشت» صحیح است.

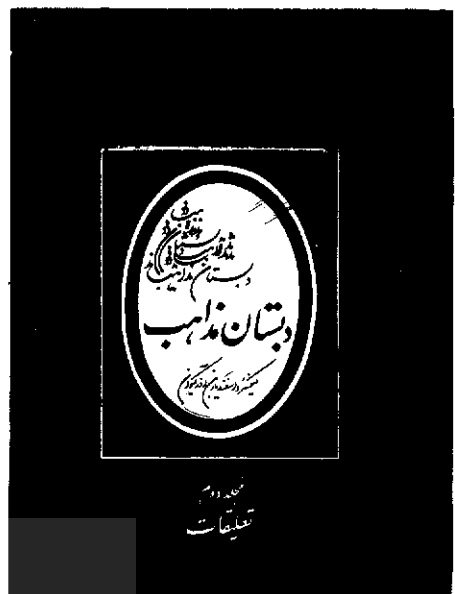
در صفحه ۱۴۵ / س ۲۵ در اول جمله «حق ناسپاس و قصاب دیوث در يك سفره طعام نخورد» پیدا است که «با» جا مانده است. در صفحه ۲۴۸ / س ۲۴، «فقیه شدید بودند» غلط، و «تقیه شدید بود» صحیح است، در يك موضع دیگر همین اشتباه تکرار شده.

در صفحه ۲۸ / س ۲۷ مصرع دوم شعر به این صورت صحیح است: «تو بودی من آواز را می شناسم».

در صفحه ۲۶۰ / س ۱۷ «فراست» غلط چاپی است و در جلد دوم، صفحه ۲۲۶ / س ۱۴ «بزلغیه» غلط است و «بزیغیه» صحیح می باشد (رجوع شود به صفحه ۸۳ از مجلد اول).

در صفحه ۲۹۰ / س ۱۱ «مضاحرت» غلط و «مضاهرت» درست است. در صفحه ۱۵۴، س ۵، «قنطر» همان «قنطوره» است که در اسکندرنامه تحریر منوچهر حکیم، مربوط به اواخر صفویه، مکرر آمده است.

برقیاس همین نمونه‌ها در عبارت خوانیها و نقطه گذاریها مسامحاتی رخ داده و شایسته است که در چاپ بعد اصلاح گردد. بعضی موارد از تعلیقات شایان ستایش و تقدیر است؛ منجمله آوردن معادل‌های صحیح مصطلحات مسیحی به انگلیسی (۲/۲۱۱)، همچنین دادن نشانی و مشخصات دو سه اثر نقطوی با نقل تکه‌هایی از آنها (۲/۲۳۳ به بعد)، هرچند در همین تعلیقه آوردن داستان «شغالها و سگها» ربطی به عقیده تناسخ ندارد و آن



همچون توصیفی بی طرفانه از معرکه الآراء حاکم بر محیط هند در قرون دهم تا دوازدهم هجری در نظر گیرد و نظر به فواید تاریخی آن داشته باشد. و هرگز متصور نیست که کسی برای تحری عقاید مذهبی یا تحقیق در «ما انزل الله» به دبستان بنگرد زیرا مظان آن جای دیگر و کتابهایی دیگر است.

اکنون نظری کلی به کیفیت چاپ کتاب و بعضی تعلیقات آن می اندازیم. نحوه چاپ و حروف کتاب بر روی هم رضایت بخش است، در پایان مجلد اول که متن کتاب است فهرست اعلام و در پایان مجلد دوم که تعلیقات مصحح است فهرست آیات قرآنی با ذکر صفحه مر بوطه در کتاب و فهرست اصطلاحات ساتسکریت و هندی با معانی آن (بدون ذکر صفحه مر بوطه و بدون ذکر مأخذ) آمده است. و به دنبال آن فهرست منابع تعلیقات و فهرست اعلام مجلد دوم.

جای خالی فهرستی از اصطلاحات دساتیری مجعول به چشم می خورد بویژه که عنوان «ادیات دساتیری ۱/۱» در داخل لفاف مجلد اول مشعر یا موهم این معنی است که انتشار دبستان سر آغاز انتشار مجدد مجموعه‌ای آثار دساتیری توسط همین ناشر خواهد بود.

و نیز خوب بود واژه‌نامه‌ای از ترکیبها و تعبيرات ویژه مؤلف که بعضاً بسیار بلیغ و شیواست در پایان مجلد اول آورده می شد. چند نمونه: آشکارا پسندان (ص ۱۵۲ / س ۱) آشکارا پسندان (ص ۱۵۳ / س ۱۴) تابسار (ص ۱۷ / س ۲۰) زندبار (ص ۱۸ / س ۲۵) تندبار (ص ۲۶ / س ۱۱) تو مندی [در معنای غیر جسمانی]

از مقوله تمثیل و مثل است (۲/۲۳۷).

کوششی که در تصحیح عبارتی از دبستان به کار برده و ضبط صحیح سال تولد ناصر خسرو (۲/۴ - ۲۲۳) و همچنین تحقیق در صورت درست کلمه «فوامیجان، فوامسیجان» موşkافانه است و پشتکار محققانه مصحح را نشان می‌دهد (۲/۱۵۳). ذیل این مورد در تأیید نظر آقای رضازاده ملک که نتیجه گرفته است «فرهیختگان» باید صورت صحیح کلمه باشد یادآور می‌شود که «تعلیم» و «علوم تعلیمی» بر ریاضیات و نجوم اطلاق می‌شده است.<sup>۷</sup>

گاه مصحح در تعلیقات خود پر دور رفته، فی‌المثل اینکه در ایران قدیم برای آزمایش گناهکار از بی‌گناه، متهم درون آتش می‌رفت، مطلب واضحی است و صرف اشاره به داستان سودابه و سیاوش کافی می‌نماید و لذا نقل صفحاتی از شاهنامه و ویس و رامین (۲/۲۵۵ - ۲۶۳) مطلقاً زائد است. و از همین قبیل است نقل تمام رساله معراجیه منسوب به ابن سینا (۲/۲۷۷ به بعد). درحالی که نقل فصلی از فرخ‌نامه جمالی در «علم‌شانه بینی» مفید است و جالب.

گاه مصحح در گرماگرم تعلیقه نویسی گله‌مندیهای شخصی را به یاد آورده از شاعری تریاکی (لابد، معاصر) و ناشری که اشعار وی را در «محسنات چرس و بنگ» به چاپ رسانده انتقاد می‌کند (۲/۲۰۶) که خواننده هر قدر ببیندش از تباط اینگونه حرفها را با

تصحیح و تعلیق کتاب دبستان در نمی‌یابد و اگر این تعبیر جایز باشد می‌شود گفت که این تکه‌ها و تکه «خام طمعی را باش!» (۲/۲۰۵) تاحدی حواشی و تعلیقات نویسنده را سبک کرده است.

در پایان باید گفت سعی مصحح و ناشر در انتشار يك متن مهم به صورتی پسندیده و قابل قبول مشكور است و انشاءالله ماجور. امید آن که با اصلاح نقایص - که هیچ کتاب غیر آسمانی از آن خالی نمی‌تواند باشد - چاپ بعد به صورت پیراسته‌تر و آراسته‌تری عرضه گردد.

- (۱) درباره زین العابدین شیروانی و سه کتاب مذکور رجوع کنید به مقاله اینجانب در هنر و مردم، شماره ۱۵۶ (مهر ۱۳۵۲) ص ۷۶ به بعد.
- (۲) جالب این است که لحن عصبانی مصحح این کتاب را در برابر مؤلف با آنچه خودش از مرحوم حاج میرزا حسین نوری طبرسی در فصل الخطاب آورده مقایسه کنیم که نظری از صاحب دبستان را نقل کرده و آن را مستند نیافته سپس چنین فرموده است: «من اثری از چنان کتبی نیافتم... خدا داناست» (ج ۲/ص ۲۲۱). ببینید لحن خاتم‌المحدثین شیعه امامیه در مسأله‌ای حساس چگونه آرام و مؤدبانه است، این روش را بیاموزیم.
- (۳) رجوع کنید به: سیداطهر عباس رضوی، «تأثیر حکمت اشراق و فلسفه میر باقر داماد و ملاصدرا در شبه‌قاره هند و پاکستان» جاویدان خرد، سال چهارم، شماره دوم، پاییز ۱۳۶۰، ص ۲۷ - ۳۹، و نیز رجوع شود به سه حکیم مسلمان، سیدحسین نصر، ص ۹۶.
- (۴) دکتر زرین کوب: دنباله جستجو در تصوف ایران، ص ۲۴۶.
- (۵) رجوع کنید به رساله سیر و سلوک، منسوب به بحر العلوم، با حواشی سیدمحمد حسین طهرانی، ص ۱۴۵ (حاشیه).
- (۶) زرین کوب: پیشگفته، ص ۴ - ۲۴۲.
- (۷) سید جعفر سجادی: فرهنگ علوم عقلی، ص ۴۱۲ - ۴۱۳.

# کتابی نه چندان مهم در تاریخ

دکتر فرهاد دفتری

تاریخ اسمعیلیه یا هدایة المؤمنین الطالبین. محمدبن زین العابدین خراسانی فدائی. به تصحیح و اهتمام الکساندر سیمینوف. تهران. انتشارات اساطیر. ۱۳۶۲. ۷+۲۲۲ صفحه.

کتاب حاضر که گوشه‌هایی از تاریخ و اعتقادات مذهبی نزاریان را از دیدگاه خاص اعضای این فرقه شیعه توصیف می‌کند، یکی از آخرین منابع دوران جدید نزاریان است که مانند سایر کتب این شاخه از اسماعیلیه به زبان فارسی نگارش یافته است. اسماعیلیان نزاری که اکنون کریم‌آقاخان چهارم را به عنوان چهل و نهمین پیشوای روحانی (به عبارت خودشان حاضر امام) خود می‌شناسند، عمدتاً در هند و پاکستان و سواحل شرقی آفریقا و گروه‌های کوچکتری از آنها نیز در سوریه، ایران، افغانستان و آسیای مرکزی (بخصوص پامیر) زندگی می‌کنند. نزاریان، مانند سایر فرق اسماعیلی، کتب خطی خود را به‌طور محرمانه و در مجموعه‌های خصوصی